

تأثیر ناشکری بر قطع نعمات الهی از دیدگاه قرآن و روایات

طاهره احمدی زاده^۱

چکیده

این مقاله به عنوان «تأثیر ناشکری بر قطع نعمات الهی از دیدگاه قرآن و روایات» به جمع آوری اطلاعات از منبع مختلف پرداخته است. که شکرگزاری در برابر نعمت‌های الهی و پرهیز از کفران نعمت. از مفاهیم مهم در اخلاق اسلامی است که متأسفانه امروزه با رواج سبک زندگی مادی در بین مردم کم‌رنگ شده است. بر اساس آموزه‌های اخلاقی در سبک زندگی اسلامی، شکرگزاری و قدرشناسی از نعمت‌های خدا تأثیر ویژه‌ای در رشد و تکامل معنوی انسان دارد و در مقابل آن ناسپاسی و کفران نعمت از خصوصیات ناپسندی است که منجر به سقوط و تباهی بشر می‌شود. در مقاله حاضر که به شیوه‌ی توصیفی- کتابخانه‌ای انجام شده است، در این مقاله مفهوم شناسی و پیامدهای ناشکری موثرترین عوامل شکرگزاری: یادآوری دائمی نعمت‌های خدا و برخورداری از توفیق الهی است و عوامل تأثیرگذار در کفران نعمت: غفلت از نعمت‌ها، ضعف شخصیت و نظر استقلالی به اسباب است. مهم‌ترین نتایج شکرگزاری نیز افزایش معرفت و تقرب به خدای عز و جل است. پاداش الهی، احساس آرامش و رشد سایر فضایل اخلاقی است. همچنین از مراتب شکرگزاری می‌توان به شکرگزاری زبانی، قلبی و عملی، سپاسگزاری از مخلوقات و شکرگزاری در بلایا اشاره نمود.

واژه کلیدی: قرآن، شکر، کفران نعمت، اخلاق اسلام.

^۱ طلبه سطح ۲، حوزه علمیه فاطمیه «سلام الله علیها» شهرستان دهلران.

مقدمه

هر امر باطنی را به سادگی نمی‌توان شناخت. از این رو ما از نیت خیر و شر دیگران آگاه نیستیم؛ چون امری باطنی است؛ اما می‌توان با نشانه‌های ظاهری و رصد آن، حقیقت باطنی را شناخت؛ زیرا سرور و حزن باطنی در شکل خنده و لبخند و گریه و ناله خودنمایی می‌کند و حتی اشک، این حالت باطنی را معلوم می‌دارد.

انسان موجودی شگفت و پیچیده است. خاستگاه این پیچیدگی و شگفتی را می‌توان در عظمت و بزرگی خداوند جست؛ زیرا براساس آموزه‌های قرآنی، انسان صورت و مظهر خداوندگاری است و خداوند همه اسماء و صفات خویش را به انسان داده و او را بر صورت خویش آفریده است. به این معنا که اگر صفات و اسمای الهی بخواهد تجسم یابد، در صورت و شکل انسانی تجسم می‌یابد.

همین پیچیدگی‌های انسان به او اجازه می‌دهد که در اوج هستی و در مرتبه شرافت و کرامت بنشیند و بر طارم گردون قرار گیرد، چنان که به او اختیار و حق انتخاب آزاد داده شده تا به پست‌ترین جایگاه و درک اسفل فراق از اسمای الهی تنزل یابد و همه آن صفات و اسمای الهی را دفن کند و خاسر و زیانکار در رستاخیز، سازه پست از شخصیت خود را ببیند.

حالات انسانی چنان که قرآن بیان می‌کند، از شهادت و ظهور گرفته تا سر و خفی و اخفی متفاوت است. از این رو حتی روان‌شناسان چیره دستی که با هیپنوتیزم در ضمیر ناخودآگاه شخص نفوذ می‌کنند به برخی از این سطوح و حالات نهان و مخفی هرگز دست نمی‌یابند و حتی به نظر می‌رسد که جز خدا برخی از این

سطوح حتی برای فرشتگان بسیار مقرب الهی نیز مخفی می ماند چه برسد که فرشتگان کاتب اعمال انسانی بتوانند آن را دریابند و بنگارند.

خداوند گزارش می کند که ابلیس با آنکه از جن بوده و از مرتبه انسان خیلی پست تر و پایین تر است، حالتی را داشته که حتی فرشتگان قدس و مقرب الهی از آن آگاه نبودند و تنها خداوند از آن آگاه بود. لذا می فرماید او از کافران بود نه اینکه در این آزمون سجده بر آدم «علیه السلام»، کافر شده باشد، بلکه آن باطن خویش را آشکار کرد. (بقره، آیه ۳۴) همین فرشتگان مقرب الهی نیز از حقیقت حالات آدمی آگاه نبودند و از همین رو اعتراض می کنند که چرا می بایست انسان ساخته از گل و خاک به عنوان خلیفه انتخاب شود. (بقره، آیه ۳۰) پس انسان حالاتی را داراست که جز خداوند هیچ کس بدان آگاه نیست.

اما خداوند راهی برای انسان ها گذاشته تا با نگاهی به آن، خود و دیگران را بشناسند. البته همه انسان ها از حقیقت خود آگاه بوده و نسبت به خود بصیرت و بینایی تمام و کاملی دارند (قیامت، آیه ۱۴) اما راه شناخت شخصیت و حالات باطنی انسان، نشانه هایی است که از خود بروز و ظهور می دهد.

از این رو برای شناخت انسان متقی می توان او را با قرار دادن در مواضع خطر شناخت. اگر انسان از تقوای عقلانی و فطری برخوردار باشد، به حکم عقل و فطرت وقتی پولی به او قرض می دهید، بی آنکه نوشته و شاهی در اختیار داشته باشید، آن را در زمان موعدهش باز می گرداند. اگر قرار ملاقاتی با او گذاشته اید هر جوری شده خودش را به سر میعادگاه می رساند. اگر زشتی و منکری را دید، نه تنها بی تفاوت نیست، بلکه زبان به اعتراض و انکار می گشاید و نهی از منکر می کند؛ اگر خوب و زیبایی را دید زبان به تحسین و تشویق می گشاید و علاقه و محبت خود را به کمالات، نیکویی ها، زیبایی ها و خوبی ها نشان می دهد.

اصولا انسان‌های منافق که انسان‌های بی تقوای عقلانی و دو چهره هستند، وقتی سخنی می‌گویند که دروغ و نفاق آمیز است، می‌توان ایشان را از لحن سخن شناخت؛ زیرا لحن سخنشان به گونه‌ای است که در نهایت آنان را رسوا می‌سازد. (محمد، آیه ۳۰). به هر حال، برای هر حالت باطنی است می‌توان نشانه‌های ظاهری را یافت که گواه حالات باطنی است و می‌توان براساس آن، نیت و حقیقت شخصیت و اعمال انسان را دانست.

مفهوم‌شناسی

واژه «کفران» در لغت به معنای پوشاندن چیزی است (اصفهانی، راغب؛ ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن کریم، ترجمه خسروی حسینی، سید غلامرضا، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵، چاپ دوم، ص ۴۵۱). و از آنجا که شخص در واقع سعی در پوشاندن ارزش نعمت می‌کند، به عمل او کفران نعمت می‌گویند. مناسبت معنای لغوی و اصطلاحی کفران نعمت چنین است که کسی که کفران نعمت می‌کند، با نادیده گرفتن نعمت‌های فراوان و ارزشمند خداوند، گویا روی آن را می‌پوشاند و آن را انکار می‌کند و یا حق آن را ادا نمی‌کند.

کفران نعمت آن است که شخص، یا نعمت را در قلب خود بی اهمیت بشمارد یا با زبان سخنی بگوید که نشانه بی‌اعتنایی نسبت به نعمت و بی‌ارزش نمودن آن است و یا گاهی در عمل به آن اهمیت ندهد و بجای استفاده نیکو و بجا از آن، نعمت‌های الهی را در مسیر سوء و نابجا استفاده کند. (مکارم شیرازی، ناصر؛ اخلاق در قرآن، قم، انتشارات امام علی بن ابیطالب، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۶۰).

مصادق کفران نعمت

شخص در مواجهه با نعمات الهی، یا نعمت را در قلب خود بی‌اهمیت می‌شمارد، یا با زبان سخنی می‌گوید که نشانه بی‌اعتنایی نسبت به نعمت و بی‌ارزش بودن آن است و یا گاهی در عمل به آن اهمیت نمی‌دهد و

بجای استفاده نیکو و به‌جا از آن، نعمت‌های الهی را در مسیر سوء و نابجا استفاده می‌کند که این همان مصداق کفران نعمت است. (مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۷۳).

لذا امام صادق «علیه‌السلام» می‌فرماید: شکر نعمت آن است که از گناهان پرهیز شود. (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۹۵).

تأثیرات کفران نعمت در آیات

در قرآن آیات بسیاری در نکوهش و تأثیرات منفی کفران نعمت وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: «و (همچنین به خاطر بیاورید) هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت، اگر شکرگزاری کنید (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است.» (ابراهیم: سوره ۱۴، آیه ۷) در آیه دیگری، در سوره نمل خداوند، در آثار شکر و کفران نعمت را فایده و ضرری برای خود بنده می‌داند؛ زیرا اگر خداوند، بندگان را از ناسپاسی بر حذر می‌دارد و به سپاس‌گزاری دعوت می‌نماید بخاطر این نیست که برای او تفاوتی می‌کند؛ چرا که خداوند در فرض ناسپاسی نیز در بسیاری از اوقات به لطف و کرم خویش ادامه می‌دهد شاید بیدار شوند و خود را از انعام پروردگار، بر اثر ناسپاسی محروم نکنند بلکه این شکرگزاری به سود خود بنده می‌باشد: «و هر کس شکر کند به نفع خود شکر می‌کند و هر کس کفران نماید (به زیان خویش نموده است که) پروردگار من غنی و کریم است.» (نمل: سوره ۲۷، آیه ۴۰).

و در آیه‌ای دیگر برای کسانی که کفران نعمت می‌کنند مثلی زده و می‌فرماید: «خداوند (برای آنها که کفران نعمت می‌کنند) مثلی زده است: آبادی را که امن و آرام و مطمئن بوده و همواره روزیش بطور وافر از هر مکانی فرا می‌رسید اما نعمت خدا را کفران کردند و خداوند بخاطر اعمالی که انجام می‌دادند لباس گرسنگی و ترس را در اندام‌شان پوشانید.» (نحل: سوره ۱۶، آیه ۱۱۲) خداوند در قرآن کریم، ما را امر به

کریم درباره فزونی نعمت ها می فرماید: «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا...» (سوره نحل، آیه ۱۸) ؛ اگر نعمت های خدا را بشمارید، هرگز نمی توانید آن را شمارش کنید.

۴. مقایسه کردن خود با سایر افراد: یکی دیگر از عوامل ناسپاسی و کفران نعمت، مقایسه کردن سطح زندگی افراد با هم است. هر چقدر توجه انسان نسبت به زندگی دیگران بیشتر می شود، به همان اندازه توجه و رضایتش از زندگی خود کاسته می شود و به مرور زمان و با پیش روی آن منجر به کفران نعمت و طلبکاری از خداوند می گردد.

راه درمان کفران نعمت

۱. کسب معرفت نسبت به انواع نعمتها: نخستین راه تحصیل شکرگزاری، کسب معرفت و تفکر در انواع نعمت های ظاهری و باطنی خداوند است؛ چرا که توجه و تفکر در این نعمات، ریشه های ناسپاسی را در انسان می سوزاند و روح شکرگزاری را در انسان تقویت می کند. (نراقی، احمد؛ معراج السعاده، قم، موسسه فرهنگی انتشاراتی طوبای محبت، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۶۸۰).

۲. توجه به زندگی افراد پایتتر: یکی دیگر از راههای مؤثر در درمان ناسپاسی، توجه به زندگی افرادی است که در سطح پایین تری قرار دارند و از نعمات کمتری برخوردار هستند. انسان هر قدر در زندگی افراد کم بضاعت بنگرد، روح شکرگزاری در او تقویت می شود؛ چرا که خود را در جایگاه او تصور می کند و از این که زندگی مانند او ندارد، خدا را شکر می کند. اما بر عکس، هر چه به زندگی انسان های بالاتر از خود بنگرد، وسوسه های شیطانی او را به ناسپاسی و ناشکری دعوت می کنند.

۳. توجه به اهمیت شکرگزاری: توجه به آیات و روایاتی که در باب شکرگزاری وارد شده است، انسان را به کسب این صفت و بهره مندی از عواقب آن ترغیب می کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در این باره

می فرمایند: کسی که چیزی بخورد و شکر کند، اجر او مثل کسی است که برای خدا روزه گیرد و کسی که بدن او صحیح باشد و شکر نماید، اجر او مثل اجر مریضی است که صبر کند و اجر غنی شاکر، مثل اجر فقیر قانع است. (نراقی، احمد؛ معراج السعاده، قم، موسسه فرهنگی انتشاراتی طوبای محبت، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۶۷۵).

۴. توجه به بلای نازل شده: انسان باید به این مسأله بیاندیشد که هر مصیبت و بلایی از بلاهای دنیا که بر او فرود آید، بدتر از آن هم تصور می شود، لذا باید شکر کند که گرفتار بدتر از آن نشود. نقل شده است، کسی به یکی از بزرگان شکایت برد و گفت: دزد به خانه من آمده و همه چیز را با خود برده است، به او گفت: برو شکر خدا کن که اگر به جای آن دزد، شیطان به خانه تو می آمد و ایمان تو را می برد چه می کردی؟ (فیض کاشانی، محسن؛ المحججه البيضاء فی تهذیب الحیاء، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم، ج ۷، ص ۲۲۷).

نتیجه

پس تأثیرات ناشکری از نعمات الهی در زندگی انسان یکی از بدترین فضایل اخلاقی است که در آیات و روایات به روشنی مشهود است که در عواقب کسی که شاکر و سپاسگزار است و کسی که ناشکر از نعمات الهی است. این مقاله توصیفی است که ضمن بررسی مفاهیم تأثیرات ناشکری نعمات و سپاسگزاری به بررسی آثار و فواید و عوامل و نقش و درمان آن در زندگی فردی می پردازد. مهم ترین بیان این مقاله این است که نهادینه شدن شکر گزاری از نعمات الهی در زندگی فردی و اجتماعی و... منجر به آثار تأثیرگذار و بنیادی و همچنین اخلاقیات بدور از منحرفات و بدی ها می شود.

منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

۱- اصفهانی، راغب (۱۳۷۵)؛ ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن کریم، ترجمه خسروی حسینی، سید غلامرضا، تهران، انتشارات مرتضوی، چاپ دوم.

۲- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۱)؛ غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: هاشم رسولی محلاتی، قم، دارالکتاب الاسلامی.

۳- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۰)؛ وسائل الشیعه، بیروت لبنان، احیاء تراث عربی.

۴- علامه طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۳ هـ ق)، تفسیر المیزان، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

۵- علامه طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل (۱۴۱۲ هـ ق)، تفسیر مجمع البیان (چاپ چهارم). قم: انتشارات رضی.

۶- فیض کاشانی، محسن؛ المحجه البيضاء فی تهذیب الحیاء، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم.

۷- قمی، عباس (۱۴۱۶)، سفینه البحار. قم: نشر اسوه.

۸- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ اصول کافی، ترجمه مصطفوی، سید جواد، تهران، دفتر

نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.

۹- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)؛ بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم.

۱۰- محمدی ریشه‌ری، محمد (۱۳۷۵)، میزان الحکمه (چاپ اول)، دارالحديث.

۱۱- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۸)؛ اخلاق در قرآن. قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب.

۱۲- نراقی، احمد (۱۳۸۵)؛ معراج السعاده (چاپ اول). قم، موسسه فرهنگی انتشاراتی طوبای

محبت.

۱۳- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر و جمعی از محققان، تفسیر راهنما، بی تا، بی جا.